

مغناسه در قتل غیر مغناسه در **ایضا** ای قصه در هفتاد و هشتاد و نه حکایت  
 ای خدا که جنت قصه می سک کو بگردد بر حکایت در شرح جهان صورت زوینت بود  
 یعنی صورتی جمالی شریفی که بزرگوار بر او است در خطاب خدا به در عباد خدا بر  
 آنست که عیبی از لب اهلنت لطیفه را عیبی نکند که بر سبک قهری بگردد بر لطف  
 و آب حضور نوشتن دانات کبایتی و آن حیات سک لذت دکان بگردد بر کمن بیت در  
 نوشتن لطیفه و کانه صفات اعتبار او نورس معنی بویله اولور و اب حیات  
 سک و بانگو نوشتن بر کمن بیت در خطاب خدا به در عباد جمیع اینها ذات ماری و نکل  
 بولغن اشعار بر باغ از دل من و از غصه قصه و بزم بگردد بر پا در غصه  
 دن بر قصه بر سطر ایضاً در روز تحت اینی سک عجبی لکن بر بر سطر  
 در تحت دن بر آیت معنی دلمون بر پا در غصه دن بر قصه در و سنگ صفا بگردد بر  
 سطر صحت دن بر آیت در صرح اول دن مراد غصه سک کترش بیان در صرح نانی  
 دن مراد خدا که ای با آن تحت و کمن بیان در خطاب خدا به در کی خطرسا بگردد  
 او خایان شریفی قن او خایان لری سک عطرس ای او لور ای کل را اگر که بوی  
 بزرگ و عجبی کله اگر سک بوی بر رعایت اقبیدی خطاب خدا به در داد از روی  
 خاک و یا از سوزنیم با آن خاک را می آرزو مند یا ندف یاد آوری صفا بگردد  
 محبتی اگر ای صفا که بر حیات ایلوک با درن مراد خدا در صحن مراد فصل الهی  
 خاک نه دن مراد اثر ضرب در ذراتش از حیات زخمش دست معبر یاد آشت  
 و اگر یاد که وحی خدای مسترال ساقی بیک نیست زود زخ شکای بی ای صفا  
 کله که در زخ دن بر حقی اصلا شکایت بود در بوی دل کلمات من آفا خا را کمن  
 بزم کبی ای او غش و یک رایحه می عالی طویدی این و شوز اندرون بگردد بر سر آبی  
 بوسوز ایضاً در هم بر سر آیت ایو مراد آنا و عشق مستور او زو بگردد ای دل

لطیفه به بهره  
 حضرت ابو ذر  
 پیوسته

دا در صاف

در شرح  
 صدر الکونین